

محمد مجتهدی شیری

### همزیستی مذهبی

#### يك اصل فكري مهم برای حكومت جهانی است

در تشریح و پایه های فکری حکومت جهانی اسلام، اصل برادری و برابری انسانها، دموکراسی و برابری در برابر دین و اصل اسلامی (همزیستی مذهبی) بحث میکنیم.



در حالیکه مذاهب آسمانی، تمایزات کور کورانه و جنگ و کشتار مذهبی را محکوم میکنند تاریخ پرماجرای بشر شاهد دشمنیها و خونریزیهای مذهبی فراوان است. از این جنگها و دشمنیها که در فرازهای تاریخ باخشونت و وحشت عجیب همراه بوده چنان آثار سوء و زیانباری بجایمانده که پاره ای از جامعه شناسان نسبتاً تازه مذهب در زندگی اجتماعی انسان بدبین شده اند، این جمله در کتاب این عده از جامعه شناسان فراوان بحثی - خورده که: «مذهب عامل تفرقه و جنگ و خونریزی میان بشر بوده است، البته این نظر بایک دید و بررسی وسیع نادرست از آب در آمده و بیشتر جامعه شناسان محقق، مذهب را از نظر اجتماعی پدیدهای کاملانگین و لازم میدانند پدیدهاییکه برای زندگی اجتماعی، نافع پیشه در برداشته و جنگهای مذهبی در برابر این منافع بسیار ناچیز است.

نظر جامعه شناسی هر چه باشد در این نمیتوان تردید داشت که تشکیل جامعه و حکومت واحد جهانی، با وجود تسلط تمایزات کور کورانه و کینه توزیها و دشمنیهای ناشی از آن امکان پذیر نیست. شرکت و عضویت مبارکدها افراد بشر در جامعه واحد انسانی با توده «مویق این کینه ها و دشمنیها و حکومت آن به جهان انسانی جامعه عمل نمیشود. اگر روشی این باشد که پیروان هر آئین پیروان مذهب دیگر را با دیده بغض و عداوت بنگردند، از تحقیر و اهانته و یا اعمال نمودن حقوق انسانی آنان فرو گذار نباشند و دائماً آتش نزاع و دشمنی شعله ور باشد جامعه جهانی چگونه متحقق می یابد و وحدت و پیوستگی انسانی چگونه ناممکن میشود! مسلماً تا این دشمنیها برچیده نشود آرزوی

انسان دوستان جهان در مورد جامعه واحد بشری همیشه تنها بصورت يك رؤیای شیرین باقی خوانده اند.

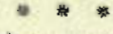
مبارکدها انسان روی زمین باسنن و عقاید و آداب و رسوم مذهبی مختلف و دیرینه ای که گاهی از هزاران سال پیش از راه وراثت و تربیت در آنها نفوذ داشته تنها يك راه در پیش دارند و آن همزیستی معنولانه و مثبت با یکدیگر است، آنچنان همزیستی که از تولید ورشد کینه های مذهبی مانع گردد و در عین حال در این میان مذهب حق تلاش و تکاپوی پی گیر خود را برای جهانی شدن یا مراعات این همزیستی دنبال کند.



اسلام برای تأسیس و جامعه و حکومت واحد جهانی، برقراری همزیستی مذاهب را از برنامه های اساسی خود قرار داده است، در اسلام جنگ مذهبی با بصورت که تاریخ پاره ای از مذاهب دیگر نشان میدهد معنی ندارد، کینه توزی و دشمنی نسبت به پیروان ادیان دیگر تا آن فکر تجاوزستقیم یا غیر مستقیم نداشته باشند ممنوع است، پیش گرفتن روشهای اهانته آمیز نسبت به آنان بکاروشی پسندیده نیستی بشمار نمیرود.

پیش از آنکه به بررسی موضوع از منظرها و مدارک دست اول اسلامی یعنی «قرآن» و «سنت» (روش و گفتار پیشوایان دینی) بپردازیم لازم میدانیم نمونه هایی از جنگها و خونریزیها و دشمنیهای سرسختانه را که متأسفانه بنام مذهب در جامعه بشری بوقوع پیوسته قبلاً برای خوانندگان محترم یاد آور شویم توجه به میزان وحشیگری و خشونت که در این خونریزیها وجود داشته بشود بی معلوم میکند که چرا پاره ای از جامعه شناسان نسبت به آثار مذهب در جامعه ها بدبین شده اند چنانکه روش نمیکند چرا عده ای در طرفداری از آزادی مذهبی، بعنوان عکس العمل تا آنجا پیش رفتند که ترویج هر نوع خرافات را که نام مذهب بر آن گذاشته شده باشد تجویز نمودند و هیچ تسلط عالی انسانی و اجتماعی را مجوز جلوگیری از آن ندانسته اند.

پس از این نمونه های تاریخی به تاریخ پیدایش «فکر همزیستی مذاهب در قرون اخیر» یک اشاره اجمالی خواهیم کرد و سپس ایده اسلام را در موضوع همزیستی مذاهب بتوانیم یک با فکری اساسی برای حکومت جهانی اسلام تشریح خواهیم نمود.



تاریخ داوری میز نیم، بی یقین مسیحیت در اوایل ظهور خود دچار فشارها و اختناق کشته های گردید اولین دشمنی و تجاوز به مسیحیان در سال ۶۴ میلادی بدست امپراطور وقت روم بنام «دیون» بسیار سخت و وحشیانه بود. امپراطور آنها نه اینکه آتش سوزی شهر رم به توطن مسیحیان صورت گرفته دستور داد آنان را با انواع عقوبتها و شکنجه ها بکشند تا آنجا که مسیحیان را به پوست حیوانات پیچیده طعمه سگها می ساختند و یا بدنشان را بمواد قابل احتراق اندود و آتش میزدند.

در اواخر قرن اول میلادی نیز امپراطور «مسیحیان را بطور دست جمعی فقط بخاطر دینشان تحت انواع عذابها قرار داد چنانکه در سال ۳۰۳ میلادی امپراطور «دیو کلسین» تصفیه خشونت آمیزی را علیه مسیحیت آغاز کرد و دستور داد تمام کلیساها را خراب و کتب مقدسه را نابود و روحانیون مسیحی را محبوس کنند. زنده گی مسیحیان در قرن اول میلادی سراسر همراه با این تعقیبها و شکنجهها بود.

در فرادگیری از تاریخ نوبت آن میرسد که مسیحیها خود عامل جنگ و کشتار مذهبی میگرددند.

**جنگهای صلیبی** مسیحیان علیه مسلمین بهانه تصرف بیت المقدس از جمله مهمترین جنگهای است که از تعصبها و آمیخته با خشونت مسیحیها ریشه میگرفت در این جنگها که در حدود دوست سال طول کشید یک میلیون مسیحی بنام «اردوی مجاهدین» بفرمان کلیسا آمدند. جبار پخاک و خون کشیدند و از همه بجز نوحه و حسرتگری خودداری ننمودند «جان دیون پورت» نویسنده محقق مذهبی درباره این جنگها مینویسد:

وقایع مهاجم هیچ ملتی در هیچ عصر و زمانی در هر زنگ و شرارت و بی شرمی و شهوت رانی و فسق و فجور بیشتر از این دسته که بنام جنگ مقدس رفته بودند نبود جنگجویان مسیحی عینترین و شدیدترین نمونه های تمسب را تشویق و ترویج نمودند. جسد و طیفه مقدسی شده و بجای دعا و احسان و کارهای نیک، قتل نفوس و خونریزی مسلمانان کفار، کتاهان و عمامه ها شناخته میشدند. در داخل مسیحیت نیز کشمکشها و خونریزیهای فراوان بوقوع می پیوست.

در قرن سیزدهم میلادی کشتار هر تلذین آلمانی که میکنند: «هر کسی میتواند انجیل را بعیل خود تفسیر کند» پس از کفر شده آنان از طرف پاپ از جمله این جنگهای داخلی است در این جنگ و حسرتهای عجیبی رخ داد که در تاریخ کلیسا ثبت است. مدت هجده سال تمام جنوب فرانسه برای برانداختن بدعت آلمانیها بجنگ و خون کشیده شد و چون شیشه لازم و مطلوب گرفته نشد ماجرای ننگین و محکمه های تفتیش عقائد (انگیز سپون) آغاز گردید.

مظالم این محکمه ها که شاید زنده ترین مظاهر اختلاف و شکنجه بخاطر عقاید مذهبی در طول تاریخ باشد سراسر اروپا را فرا گرفته بود همه جا کشتار میگردد، زندانهای اسپانیا، ایتالیا، پرتغال، سوئیس، فرانسه، آلمان، اتریش و رومانی از دهها هزار زندانی این تشکیلات ضد انسانی پر شده بود. بنقل یکی از نویسندگان غربی در این دوره «صلمیون نفرا» بحرم داشتن تفکر مخالف کلیسای وقت و اطاعت نکردن از پاپ به دار آویخته شدند...

در قرن شانزدهم میلادی یک سلسله جنگهای دینی دیگر در داخل فرانسه در گرفت (بقیه در صفحه ۶۷)



(بقیه از صفحه ۳۰)

نهیست معنی اصلاح طلبانه جدید در آلمان بر عرصه‌های بنام «لوتر» ، و در فرانسه بر عرصه‌های بنام «کالون» تشکیلات پاپ را به سختی در فشار قرار داده بود این دو نفر و پیروانشان با بسیاری از سنتهای غایب کلیسا مخالفت و از آن سرسختانه انقضا می نمودند کار نهیست بالا گرفته بود ، فرمان پاپ علیه این نهیست‌ها در وقت کم‌کم و گسترده میسر می‌شد و با بار دیگر فراموشی می‌شد جنگ معنی برای قتل عام فرقه نوظهور و فروع پیوست و واقعه معروف «سن یار تلمی» که بشود «آلمر ماله» شاید زشت‌ترین حوادث تاریخ فراسه باشد در خلال این جنگها انسان اقتاد در این واقعه ، پروتستان‌ها (فرقه نوظهور) در میان خانه و کوچه و حیاطان بدون امکان هیچ‌گونه تدفینی ، وحشیانه مورد قتل عام قرار گرفتند .

از این نوع خونریزیها در صفحات تاریخ مثل تیر اردیبهشتی نیز چشم می‌خورد مثلاً در تاریخ میخواتیم «ژوئواس» پادشاه بهودی یمن در قرن ششم میلادی بر اثر مخالفت شدید دینی با مسیحیان این سرزمین آنها را بدست شکنجه و عذاب میداد و آنها در يك واقعه بیست هزار نفر مسیحی را بفرمان او کشتند و اجساد آنها را در آتش سوزاندند ...

این فصایع موجب عکس العمل شدید در قرون اخیر گردید و فکر «همزیستی مذهبی» از نظر فرمودانی متفکر و خیر خواه با شور و حرارت فراوان تقبیح شد که در شماره آینده با آن احاطا اشاره خواهیم کرد .

(بقیه از صفحه ۲۷)

مستند داد و از آثار جدید هم چون انسان نمونه‌ای محروم مانده اند .



طبق نوشته روزنامه «رادیانس» چاپ دهلی نو :

... در آن هنگام که در دادگاه نظامی قاهره ، حکم اعدام سید قطب قرائت شد ، او در کمال آرامش چنین گفت : «من پیش از این هم میدانستم که طبقه حاکمه نمی‌خواهد من زندگی بمانم ؛ ولی من بار دیگر اعلام می‌کنم که من نه پشیمان هستم و نه اظهار ندامت می‌کنم و نه از این رأی آندوهناکم ، بلکه بسیار خوشحال و مسرورم که در راه هدف مقدس و ایده آلم کشته می‌شوم ، البته تاریخ آینده درباره ما و حکومت داورى خواهد کرد که کدام يك از ما ؛ راستگو و برحق بوده ایم ...» (۱)

پس از صدور رأی دادگاه ، در زندان که او را در ماشین بسوی مرگ می‌بردند ، خنده‌اش بر لب داشت و در واقع شمر اقبال لاهوری را که يك روز پیش از مرگش سروده بود می‌خواند :

ایال گفته بود :

نشان مرد مؤمن با تو گویم که چون مرگش رسد ؛ خندان می‌برد

(۱) : از روزنامه «Radianee» چاپ هند ، مورخ ۲۵ جمادی الاولی شماره ۸ دوره جدید ، صفحه اول